

بکراش، دیورا(۱۳۸۳) تفتیش عقاید. ترجمه مهدی حقیقت خواه. تهران: ققنوس

خلاصه از مسعود صادقی

www.masoudsadeghi.blog.ir

تفتیش عقاید به بیان دقیق تر عبارت بود از هیئت های داوری بسیار مجهز که کلیسای کاتولیک می کوشید از طریق آنها به یکپارچگی اندیشه ها و عمل دینی دست یابد و آنرا حفظ کند.(ص ۹)

کاتولیک از واژه ای یونانی به معنای همگانی {فراگیر} مشتق می شود و به راستی تقریبا تمام مردم متولد اروپا اعضای کلیسای کاتولیک بودند.(ص ۱۱)

نخستین نشانه های تب ضد بدعتگذاری که به تفتیش عقاید تبدیل شد در اواخر قرن دوازدهم نمایان شد و آن هنگامی بود که دستگاه پاپی از ظهور یک فرقه مذهبی در ناحیه ای از جنوب فرانسه ب نام لانگدوک با خبر و هراسان شد. گروه هایی از مردم که خود را کاتار (اقتباسی از واژه یونانی *Katharoi* به معنای خالص و پاک) می نامیدند، مدعی بودند به مسیحیت راستین نخستین عمل می کنند، درست به راه و روشی که عیسی آموخته و بعدها به صورت کلیسای کاتولیک یا فراگیر نهادینه شده بود. کاتارها در جذب نوکیشان کارای داشتند چون رهبران مذهبی شان به نواحی روستایی سفر می کردند و آیین خود را در میان دهقانان می پراکندند.(ص ۱۸)

تلخیص: در زمان اینوکنتیوس سوم و در آغاز رشد کاتاریسم تلاش شد اسقف ها روش های اقماعی را پیش گرفته و با بیشتر کردن موعظه ها و سفرهای تبلیغی و نیز دستگیری الگوهای کامل با بدعتگذاران مقابله کنند.(ص ۲۰)

تلخیص: در سال های ۱۲۰۸ و ۱۲۰۹ میلادی پاپ پس از مصادره اموال یکی از کنت های منطقه و تکفیر او خواستار جهاد علیه کاتارها شد. پاپ به همه شرکت کنندان در جهاد آلبیگایی، که نام خود را از شهر آلبس مرکز اصلی کاتارها گرفته، وعده بهشت و آمرزش همه گناهان را داد. این سلسله جنگ های صلیبی بیش از بیست سال به درازا کشید.(صص ۲۳-۲۱)

تلخیص: در طی دهه دوم قرن سیزدهم میلادی بتدریج پاپ بجای نظارت اسقفی، راهبان صدقه بگیر و دروره گردی را که زیر نظر خود او و نه صومعه ها فعالیت می کردند مامور نمود تا علاوه بر موعظه به شنیدن اعترافات مردم نیز بپردازند. راهبان دو فرقه مذهبی فرانسیسکن ها و به ویژه دومینیکن ها در شکل گیری دستگاه تفتیش عقاید پاپی نقش بارزی ایفا کردند.(صص ۲۴-۲۳)

فرقه دومینیکن رسما در سال ۱۲۱۶ تاسیس شد. از آنجا که دومینیکن ها طی قرن ها با تفتیش عقاید پیوند داشتند، به خاطر این ارتباط ویژه دومینی کین (سگ شکاری خدا) لقب گرفتند.(ص ۲۵)

تلخیص: کتاب های متعددی برای راهنمایی مفتشان تدوین شد که یکی از مشهورترین آنها کتاب راهنمای تفتیش عقاید (Directorium inquisitorium) اثر نیکولاس ایمریچ بود که در سال ۱۳۶۰ میلادی منتشر در سراسر اروپا مورد استفاده قرار گرفت. کتاب ایمریچ گردآوری گسترده ای از روش های تفتیش عقاید، به همراه نمونه هایی از روش های تحقیق خود مولف در خصوص بدعتگذاران است. او در اعتراف گیری از زندانیان سرسخت رکورد فوق العاده ای داشت و کتاب او برای سال ها معیار باقی ماند. (صص ۳۳-۳۴)

تلخیص: بر خلاف نظام های قضایی امروزی که اصل بر براءت است در نظام مبتنی بر تفتیش عقاید، شخص متهم گناهکار تلقی شده و بلافاصله حقوق مدنی خود را از دست می داد. (ص ۳۶)

دستگاه تفتیش عقاید ابداعگر شکنجه متهمان نبود. این عمل به امپراطوری روم و پیش از آن برمی گردد. (ص ۴۲)

تلخیص: در اوایل دوره تفتیش عقاید، روحانیون به لحاظ شرعی نمی توانستند خود دست به شکنجه بزنند اما نهایتاً برای حفظ اسرار زندان های پاپی به مشارکت در این عمل پرداختند. (ص ۴۳)

هنگامی که دستگاه تفتیش عقاید علیه مسیحیان مرتد به حرکت درآمد، حرکت خود علیه دومین گروه از آماج های مورد نظر خود، یعنی جامعه یهودیان اسپانیا را آغاز کرد. از نظر حقوقی دستگاه تفتیش عقاید حق نداشت علیه کسانی که خارج از مذهب کاتولیک بودند اقدام کند. ص ۶۴

نیکولاس ایمریچ: گناهان پدران باید دامنگیر فرزندان شود. فرزندان بدعتگذاران جز فقر و بدنامی سزاوار هیچ میراث دیگری نیستند. (ص ۸۵)

تلخیص: برخی از مجازات های دستگاه تفتیش عقاید عبارت بودند از :

- اعلان گناه های فرد در مراسم یکشنبه های کلیسا (در جرائم سبک)

- پوشیاندن لباس با علامت ها و نقش و نگارهای خاص برای مجرمین

- فرستادن اجباری و مکرر مردم به سفرهای زیارتی

- زندان

- مصادره اموال

- اعدام از طریق سوزاندن

- سوزاندن جسد مردگان یا مصادره اموال آنها

- شکنجه با آب
- شکنجه با آتش
- استفاده از تسمه و فرقره
- استفاده از تازیانه
- استفاده از چهارمیخ
- استفاده از پرودکین. (ص ۹۶-۴۹)